

• (هل النور هنا هو نفسه النور في العوالم العلوية) ..

آیا منظور از نور در اینجا همان نور در عوالم بالایی (علوی) است؟

كنت قد قرأت رواية تتعلق ببيان النور، والرواية هي هذه: عن عاصم بن حميد، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: (ذاكرت أبا عبد الله (عليه السلام) فيما يروون من الرؤية، فقال: الشمس جزء من سبعين جزءاً من نور الكرسي، والكرسي جزء من سبعين جزءاً من نور العرش، والعرش جزء من سبعين جزءاً من نور الحجاب، والحجاب جزء من سبعين جزءاً من نور الستر، فإن كانوا صادقين فليملؤا أعينهم من الشمس ليس دونها سحب) (1).

روایتی را که درباره‌ی بیان نور بود را به شرح زیر می‌خواندم: عاصم بن حمید از ابی عبدالله امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده و می‌گوید: با آن حضرت درباره‌ی آنچه در خصوص رؤیت روایت می‌کنند، گفت و گو می‌کردم. حضرت فرمود: خورشید یک جزء از هفتاد جزء نور کرسی؛ و کرسی یک جزء از هفتاد جزء نور عرش؛ و عرش یک جزء از هفتاد جزء از نور حجاب؛ و حجاب یک جزء از هفتاد جزء نور ستر است. اگر راست می‌گویند چشمانشان را از نور خورشید بدون آن که ابری در مقابل آن باشد، پر کنند^۲.

سألت العبد الصالح (عليه السلام) عنها، وقلت: هل هذا للتعجيز، أم أنّ هناك علاقة بين ما نطق عليه نور هنا وبين النور هناك.

از عبد صالح (علیه السلام) در این مورد سؤال کردم و گفتم: آیا این از باب ناتوان کردن است یا این که بین چیزی که ما به آن نور اطلاق می‌کنیم، و نوری که آنجا هست، رابطه‌ای وجود دارد؟

فأجابني (عليه السلام): (النور هنا تجلي للنور هناك).

ایشان (علیه السلام) فرمود: «نور در اینجا تجلی و ظهوری از نور آنجاست».

1. شرح اصول الكافي للمازندراني: ج 3 ص 181، بحار الأنوار: ج 55 ص 28.

۲ - شرح اصول کافی مازندرانی: جلد 3 صفحه 181 ؛ بحار الانوار: جلد 55 صفحه 28.

* * *